

تاریخ علم، دوره ۱۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۵۹۵-۵۹۹

مقاله کوتاه

### بُنه: نظام‌های زراعی سنتی در ایران

فاطمه مهری

استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی

f\_mehri@sbu.ac.ir

برخی حوزه‌های پژوهشی هستند که در وضعیت «مرزی» به سر می‌برند و تنها به یک حوزه دانش اختصاص ندارند، ما امروزه چنین پژوهش‌هایی را «میان‌رشته‌ای» می‌خوانیم و دست کم در عالم نظر، بر اهمیت و لزوم انجامشان تأکید می‌کنیم. اما واقعیت آن است که این وضعیت مرزی، موجد نوعی وضعیت «حاشیه‌ای» نیز هست و کم نیستند پژوهش‌هایی که چون نمی‌توان تنها در یک حوزه تخصصی جایشان داد و سراسر معرفت‌شان کرد، کمتر دیده و خوانده می‌شوند و قدر و قیمتشان چنان‌که باید شناخته نمی‌شود.

اغلب پژوهش‌های جواد صفی‌نژاد، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و پژوهشگر جغرافیا، در حوزه‌هایی صورت گرفته‌اند که می‌توان آن‌ها را در همین وضعیت‌های مرزی/حاشیه‌ای جای داد؛ هر چند دو زمینه عمده پژوهش‌های او، یکی آب و دیگری چگونگی زیست روستایی و عشایری، به طور مستقیم با علوم اجتماعی و جغرافیا ارتباط دارند، اما روش پژوهش و نقاط تمرکز او، موجب شده است آثار او وضعیتی یگانه و منفرد و به زعم نگارنده، فراتر از محدود شدن به یک حوزه دانش داشته باشند. با این همه معمولاً جز برای اهالی دو رشته علوم اجتماعی و جغرافی آشنا نیستند.

یکی از این پژوهش‌ها که می‌تواند برای هر اهل کتابی جالب و خواندنی باشد، اثر ارزنده او با عنوان بُنه (نظام‌های زراعی سنتی در ایران) است. کتاب در باره «بُنه»، یکی از شیوه‌های سنتی تولید جمعی در کشاورزی به ویژه در مناطق شرقی ایران است که صفی‌نژاد سال‌های بسیاری از عمر خود را صرف تحقیق درباره آن کرده است. تعریف بُنه چنان‌که در کتاب آمده، از این قرار است: «بُنه عبارت از واحد مستقل زراعی بود که عده‌ای دهقان با سمت‌های مشخص اجتماعی بر اساس تقسیم کاری که مبتنی بر امتیازات اقتصادی و منزلت‌های اجتماعی بود در یک یا چند قطعه زمین مشخص به

کشت و زرع در آن می‌پرداختند» (صفی‌نژاد، بنه، نظام‌های زراعی...، ۲۱). چرا «بود» و «می‌پرداختند»؟ او خود در مقدمه‌ای که در سال ۱۳۵۵ بر چاپ سوم کتاب نوشته، چنین توضیح داده: «افعالی که در نوشتن این مجموعه به کار رفته است، اغلب بر گذشته دلالت دارد، بدین معنی که اکنون در مورد سازمان‌هایی گفتگو می‌شود که دیگر وجود ندارند» (همو، بنه، یازده). چنین است که کار او در واقع همچنین تاریخ‌نگاری شیوه‌ای از کشاورزی سنتی ایرانی است که به تاریخ پیوسته است، «تاریخی نزدیک» که ما معمولاً آن را کمتر از «گذشته‌های دور» می‌شناسیم؛ تاریخی که بسیار بیشتر مستعد فراموشی است، چون به حوزه‌های رسمی تعلق ندارد. کمی بعد از آنکه صفی‌نژاد پژوهش خود را آغاز کرد، محمدعلی همایون کاتوزیان در بحث از اقتصاد سیاسی ایران، به اهمیت شیوه‌های سنتی تولید ایرانی که رایج‌ترین آن‌ها «بنه» و «صحرا» بود، به عنوان مدل‌هایی منحصر به فرد اشاره کرد (Katouzian, 220-239؛ همو، ۱۹/۱-۲۷، ۲۱۷/۲-۲۲۰). در واقع بر مبنای تحقیقات صفی‌نژاد بود که کاتوزیان توانست مدلی برای مطالعه وضعیت خاص تاریخ ایران پیش نهد که از مدل‌های مرسوم شرق‌شناختی زمانه او فراتر بود. پس از آن نیز در اغلب آثار مرتبط با جامعه‌شناسی روستایی به این شیوه‌های کشاورزی که عمیقاً با زیست روستاییان درآمیخته بودند، اشاره شده است (برای نمونه، نک: ازکیا، ۸۹-۱۰۴؛ وثوقی، ۱۲۵-۱۳۸). اما صفی‌نژاد با رصد دقیق این شیوه کشاورزی طی سال‌ها در روستاهای مورد مطالعه خود، بررسی اسناد به‌جامانده و شاید مهم‌تر از همه، دمخوری با کسانی که در این شیوه زیست کرده‌اند، از اربابان و خرده مالکان و آبیاران و گاو‌بندان و دهقانان، تصویری بسیار دقیق از این «تعاونی‌های کهن» ترسیم کرده است.

آبادی‌هایی که او درباره‌شان مطالعه کرده، بیشتر در نواحی جنوبی تهران (ری و ورامین و ساوجبلاغ و گرمسار)، قزوین، مناطقی از خراسان و کرمان و سیستان و بلوچستان و کهگیلویه واقع بوده‌اند، مناطقی که اغلب در محدوده مرکزی و شرقی ایران واقع شده‌اند و تنها به کمک شیوه‌های کهن کشاورزی مرسوم در این نواحی همچون

بُنه: نظام‌های زراعی سنتی در ایران / ۵۹۷

«بنه» و «صحرا» و «هراسه»<sup>۱</sup> و «پاگاو»<sup>۲</sup> می‌توانستند بر مشکل کم‌آبی چیره شوند. صفی نژاد در پژوهش خود، دربارهٔ بنه و انواع آن (بنه‌های ارباب و رعیتی، بنه‌های گاو‌بندی و بنه‌های قمی<sup>۳</sup>)، تقسیمات زمین، انواع کشت و محصولات مختلف، تقسیم کار نیروی انسانی، نقش و حقوق هر یک از اعضای بنه، نحوهٔ تقسیم محصولات میان اعضا و گروه‌های یاری‌رسان به بنه از مشاغل دیگر – مثل آهنگران و نجاران و گاوچرانان و حتی حمامیان و سلمانیان – که از نظر اقتصادی در بنه سهمی داشتند، به تفصیل توضیح داده است. تأثیر اصلاحات ارضی بر بنه که عملاً آن را به سمت تلاشی برد، از دیگر موضوعاتی است که صفی نژاد بدان پرداخته است. او توضیح می‌دهد که چگونه عرف نظم و نسق مبتنی بر همکاری حاکم بر بنه پس از اصلاحات ارضی به تدریج از میان رفت؛ اختلاف‌نظرها تا مدتی به مدد روابط خویشاوندی فرونشانده شد، اما سرانجام اغلب صاحب‌نسقان<sup>۴</sup> به کشت فردی روی آوردند.

یکی از جذابیت‌های کار صفی نژاد ضبط دقیق ادبیات حاکم بر بنه است؛ چیزهایی از این ادبیات هنوز در زبان ما باقی مانده، اما پیشینهٔ آن‌ها امروز دیگر بر ما چندان روشن نیست. این ادبیاتی است که نه می‌توان در رساله‌های کهن فلاحت و زراعت از آن نشانی یافت، نه در روزگار معاصر نسبت به ثبت و ضبط آن اهتمام ویژه‌ای صورت گرفته است. کار صفی نژاد از این بابت کار بسیار ارزشمندی است و او در حوزه‌های دیگر نیز به آن توجه نشان داده است؛ مثلاً چون در مقاله‌ای به «غارت» به عنوان یکی از درآمدهای غیرمستمر خان‌های منطقه کهگیلویه و بویراحمد پرداخته، از تقسیم کار و

---

۱. واحدهای زراعی مستقل را در برخی نواحی کرمان حراثه/هراسه می‌نامیده‌اند (نک: صفی نژاد، بنه، ۲۵۸ به بعد). صفی نژاد در کتاب بنه این نام را «حراثه» ضبط کرده، اما در مطالب بعدی‌ای که در این باره منتشر کرده، ضبط این کلمه را به «هراسه» تغییر داده و ما نیز در اینجا ضبط جدیدتر او را آورده‌ایم.

۲. در سیستان بنه را «پاگاو» می‌نامیده‌اند (همان، ۲۴۷).

۳. کشت بهاره اغلب به صیفی‌جات اختصاص داشت. متخصصان کشت صیفی در جنوب تهران اغلب آبیاران قمی بودند که در کشت خربزه مهارت داشتند. قمی کاران معمولاً یک ماه پیش از عید به تهران می‌آمدند و هنگام برداشت، از گل محصول سهم داشتند. ظاهراً تا مدتی پیش هنوز خربزه و هندوانهٔ «اویاری» که از بهترین‌ها بوده، شهرتی داشته است (همان، ۱۶۵). پس از اجرای قانون اصلاحات ارضی قمی‌کاری منسوخ شد، زیرا دیگر بنه‌ای برای این نوع کشت وجود نداشت (همان، ۱۶۷).

۴. صاحب‌نسق بودن یا به تعبیر آشناتر، «حق آب و گل داشتن» به منزلهٔ برخورداری از حقوق عرفی در امور زراعی بود و البته شروطی همچون ساکن محل بودن، بومی شدن و کارآمد بودن نیز لازمهٔ آن بود. چنانچه کسی صاحب‌نسق بود، حقوق او به سادگی قابل سلب نبودند (همان، ۴۲-۴۳).

نام‌گذاری نیروهای دخیل در غارت نیز سخن گفته است (صفی‌نژاد، بنه، ۳۶-۳۷، ۴۵، ۴۸-۴۹).

صفی‌نژاد همچنین در مقاله‌ای که دربارهٔ هراسه‌های روستای کشکوئیه در بافت کرمان نوشته نیز به ثبت ادبیات بنه توجه ویژه‌ای داشته است. ثبت نامگذاری‌های نیروی کار (مثلاً زعیم، سرزعیم/ شحنه، خوک‌زن)، نام ابزارها (گرجین: چرخ خرمنکوب)، سهم‌های اقتصادی (مثل منال: سهم ارباب؛ جیره: مساعدهٔ ماهانهٔ زارعان پیش از برداشت محصول) و اشاره به برخی رسوم برداشت محصول (مثل جزئیاتی دربارهٔ توزین محصول، خوشه‌چینی یا سهم‌بری لوطیان و درویشان و سادات از سرِ خرمن) از جملهٔ چنین توجهاتی است (همو، «بنه، تعاونی...»، ۲۷-۲۹).

کتاب بنه خود تاریخی نیز دارد: صفی‌نژاد نخستین بار در ۱۳۵۱ آن را بر پایهٔ تحقیقاتی که در آبادی‌های جنوب تهران انجام داده بود، در مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران منتشر کرد. در چاپ بعدی کتاب که در انتشارات توس صورت گرفت، مطالبی به کتاب افزوده شد، از جمله مطالب مربوط به «گاوبندی». سرانجام کتاب در شکل نهایی‌اش با برخی تجدیدنظرها و آرایشی جدید، همراه با اسنادی که مؤلف طی تحقیقات خود از محلیان به دست آورده بود، در سال ۱۳۶۸ در انتشارات امیرکبیر منتشر شد.

بُنه: نظام‌های زراعی سنتی در ایران / ۵۹۹

#### منابع

- ازکیا، مصطفی. (۱۳۶۵). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران. تهران: اطلاعات، چ ۷.
- صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۵۵). بنه. تهران: توس، چ ۳.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۵۵). «غارت: درآمدهای غیرمستمر خان در دوره خان‌خانی». نشریه دانشکده، ش ۶، ۱۰-۵۴.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۶۸). بنه (نظام‌های زراعی سنتی در ایران)، تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷). «بنه، تعاونی تولید زراعی سنتی در ایران». کیهان فرهنگی، ش ۲۶۴ و ۲۶۵، ۲۶-۲۹.
- کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۶۶-۱۳۶۸). اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: انتشارات پایروس، چ اول.
- و شوقی، منصور. (۱۳۶۶). جامعه‌شناسی روستایی. تهران: کیهان، چ ۱۱.
- Katouzian, M. A. (1974). "Land Reform in Iran; A Case Study in the Political Economy of Social Engineering". *The Journal of Peasant Studies*, 1:2, 220-239.